

قزاقستان: از روسیه با نفرت

طه رادمش*

به فیلم‌ها شبیه است؛ اما نه همچون جیمزباند و از روسیه با عشق‌اش. قزاقستان صحنهٔ رویارویی مردم و دولتِ نئولیبرال شده، که این بار دومینوی خیزش‌ها علیه ناکارآمدی دولت و نابرابری در توزیع ثروت و درآمد، به قزاقستان رسیده. هنوز جشن و سرور سال نوی میلادی 2022 در جریان بود که عیش منغص شد. فردای جشن، دو برابر شدن قیمت سوخت (گاز) سبب شد تا جشن ماتم به خیابان کشیده شود. رسانه‌ها چندان به این خیزش نپرداختند. بر اساس گزارشِ نتِ بلاکس اینترنت قزاقستان در برخی بخش‌ها قطع، و در نواحی دیگر بسیار کند است. بر اساس اعلام آمار رسمی دولتی، تا بدین لحظه، این خیزش خیابانی بیش از 200 کشته داده. با ادبیات سریک شالیف، رییس دادستانی جنایی قزاقستان، کشته‌شدگان به جز نیروهای مسلح، همگی راهزنان مسلحی بودند که در حملات تروریستی نقش داشتند. از آنجا که این اعتراضات بعد از اعلام استقلال قزاقستان از اتحاد جواهر شوروی در سال 1991، بزرگ‌ترین و خشونت‌بارترین قیام خیابانی است، حائز اهمیت است که بیشتر مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

زمینهٔ تاریخی، اقتصادی و آماری به تدقیق بحث کمک شایانی می‌کند. قزاقستان بزرگ‌ترین کشور آسیای مرکزی است که بعد از استقلال از شوروی، هر چند واحد پولیِ تنگه دارد اما در واقعیت همچنان به حوزهٔ روبل و برادر بزرگ؛ روسیه وابسته است. گسیل نیرو از مسکو، پیروی درخواست کمک آلماتی، گواه همین امر است. قزاقستان پهناورترین کشوری است که دسترسی به آب‌های آزاد ندارد و گرفتار است در خشکی. هر چند بواسطهٔ شهرت آلماتی، شاید اکثریت، این شهر را به عنوان پایتخت بشناسند، اما در سال 1998 نورسلطان یا آستانه، واقع در شمال کشور بجای آلماتی که در جنوب قرار داشت، به عنوان پایتخت انتخاب شد. دلایل زیاد ژئوپلیتیکی و همچنین سیاسی در این تصمیم دخیل بودند. کشور «استخراج بیت‌کوین» را جمعیتی 70 درصدی از مسلمانان تشکیل می‌دهند، که همان گونه که در زمان شوروی مشکلاتی در همگرایی داشتند، بعد از استقلال، گرفتار مصائبی در واگرایی نیز بودند. حضور ملی‌گرایان رادیکال روس در روسیه و قزاقستان با گرایشات اسلاوگرایی تند، که تلاش داشتند دوباره به دامن برادر بزرگ؛ روسیه بازگردند، جرقهٔ اولیهٔ تعویض پایتخت را زد. این انتقال پایتخت مُسکن موقتی شد تا دهن رادیکال‌ها با نزدیکی جغرافیایی به روسیه بسته شود. قدیمی‌ترین پایگاه فضایی جهان، بایکونور نیز در این کشور است، و از همین ایستگاه بود که یوری گاگارین به فضا رسید.

* - پژوهشگر تاریخ اقتصادی. Tradmanesh@gmail.com

قزاقستان دریای نفت است و از منظر منابع انرژی با 30 تریلیون بشکه در رتبه دوازدهم دارندگان ذخیره نفت خام در جهان قرار دارد، حدود 75 درصد از ذخایر نفتی دریای خزر در مالکیت این کشور است؛ و حدود 40 درصد اورانیوم جهان نیز در اختیارش است (سعیدی، 1400). قزاقستان ماین استخراج بیت کوین و سایر رمزارزها نیز هست. همه، صرفاً دولت‌های پیشین را مقصر می‌دانند. قاسم ژومارت توکایف، رئیس‌جمهور قزاقستان در سخنرانی رسمی در روز سه‌شنبه 11 ژانویه انگشت اتهام را سمت نورسلطان نظربایف گرفت و اعلام کرد او با تجمیع ثروت در خانواده خود و دیگر نورچشمی‌هایش، یک کاست ثروتمند ایجاد کرده. حرف او درست است. نظربایف که در آستانه 82 سالگی است از ثروتمندترین افراد کشور است که بر اساس گزارش مجله «فوربس»، به همراه چند عضو دیگر خانواده از ثروتمندترین افراد کشور هستند که معروف‌ترین آن‌ها، دینارا کولیباوا، دومین دختر نظربایف است که با همسرش، تیمور کولیباویف، از سهامدارن اصلی «هالیک بانک»، بزرگ‌ترین بانک «وام‌دهنده» قزاقستان هستند؛ بانکی که به نوعی وظیفه چاپ پول و ارائه تسهیلات را به این خانواده داشت. ارزش سهام این دختر حدود 2/8 میلیارد دلار برآورد شده است. نظربایف از سال 1989 تا 2019 هم در دوران شوروی رئیس حزب کمونیست بود، و هم بعد از آن، رئیس‌جمهور قزاقستان. به عبارتی تا انتخابات 2019 تنها رئیس‌جمهور قزاقستان مستقل شده بود. خیزش اخیر قزاقستان، دنباله خیزش‌هایی است که از 2018 تا 2020 خیابان‌های قزاقستان را تسخیر کرد، و در نهایت حکم به پایان ریاست‌جمهوری 29 ساله نظربایف داد و انتخابات ریاست‌جمهوری زودتر از موعد برگزار گردید. در انتخابات، توکایف با بیش از 70 درصد رای پیروز شد و جانشین نظربایف. توکایف پیشتر رئیس مجلس سنای قزاقستان بود و از دولت روسیه، نشان دوستی گرفته بود – نشانی که از طرف مسکو به افرادی که دوست و متحد روسیه باشند، اعطا می‌شود – رهبری خاندان نظربایف که برای نزدیک به سه دهه، مجری تمام و کمال سیاست‌های نئولیبرال، آزادسازی و پیاده‌سازی سیاست‌های تعدیل ساختاری و مقررات زدایی بودند، سبب گردید تا دکتترین شوک بر پیکره قزاقستان وارد آید. حاصل شوم این سیاست‌ها، در هر گوشه‌ای از جهان که اجرایی شد، به مرور خود را نشان داد؛ افزایش فقر، بیشتر شدن فاصله طبقاتی، ظهور کاست اقتصادی، ظهور نوکیسه‌های اقتصادی که حاصل جهش کانگورویی طبقاتی بودند، بیکاری فزاینده، پولدار شدن اقلیتی بواسطه تورم، و در قزاقستان نابرابری بسیار بالا است و بنا بر نوشته سعیدی « میانگین حقوق در این کشور کمتر از 600 دلار است» (سعیدی، همان). در سال 2019 نیز تظاهراتی دیگر در بخش‌های نفت‌خیز این کشور از جانب تشکل‌های کارگری رخ داد که حدود 20 کارگر در آن کشته شدند. این خیزش فعلاً با سرکوب گسترده، زیر سایه قطعی اینترنت – که برای ما تکرار تاریخ است – رخ داده، ولی قطعاً آخرین تکه از این دومینو نخواهد بود.

آنچه گذشت مروری اجمالی بر تاریخ و جغرافیا و اقتصاد این کشور بود تا راحت تر بتوانیم شرایط را تحلیل و تدقیق کنیم. فساد محرز خاندان نظربایف دلیل بر بی‌گناهی دولت جدید نیست و نباید در گزاره جعلی «دولت جدید بی‌دفاع و بی‌گناه است و چاره‌ای ندارد و میراث‌دار این حجم از بی‌عدالتی و فساد است»، افتاد. دولت‌های جدید نئولیبرال، هم میراث‌دار هستند، هم میراث‌خور. تفاوت کلیدی طبقه و کاست علی‌رغم مباحث بسیار پیچیده‌ای که حول محور این دو مفهوم وجود دارد، این است که بنا بر شرایط و عللی خاص می‌توان از طبقه‌ای به طبقه دیگر پرید، اما کاست راه، راه ورودی در آن نیست. کاست چونان دریایی از ثروت است که فقط خودی‌ها در آن شنا می‌کنند و با استفاده از رانت و سرمایه موروثی و ثروت‌های بادآورده حاصل از سلب مالکیت از توده، با زاد و ولد خانوادگی، شکل خاندانی و قبیله‌ای به خود می‌گیرند و ماهیان دریای کاست به مرور نهنگ می‌شوند تا همه چیز برای آن‌ها باشد و بس. بنا بر حکم اقتصاد سیاسی: «دولت به مثابه یک رابطه سیاسی نتیجه نهایی تاثیر تاریخی و میانجی روابط اجتماعی - اقتصادی، روابط قدرت ناشی از آن و مبارزات طبقاتی، تحت سلطه روابط اقتصادی سرمایه‌داری و الزامات و محدودیت‌های آن است» (نعمانی و بهداد، 1400: 94). این دولت برسازه همین عوامل است، با این محدودیت که تمام مبارزات (چه به شکل توده‌ای و منفرد و چه به شکل تشکلی) در سایه سرکوب حداکثری، شکل حداقلی به خود می‌گیرد. اگر پیشتر به دروغ گفته می‌شد تعدیل ساختاری تنها راه توسعه کشورها است و بدیلی جز این نیست، و باید دست دولت از اقتصاد کوتاه شود تا «افراد» بنا بر حکم تاجری، ثروتمند شوند، دروغشان نقش بر آب شد و ثابت شد، از قضا، اقتصاد نئولیبرالی، دولت‌گراترین مکتب اقتصادی است که تنها در خدمت طبقه‌ای خاص است و خدمتگزار آن. *آدام هنیه* در تحلیل درخشانی که از بهار عربی به دست داده، به درستی بیان می‌کند: «تمرکزیابی فزاینده قدرت سیاسی تایید می‌کند که نئولیبرالیسم به شدت پروژه‌ای دولت‌محور است، و نه آن گونه که اغلب تصور می‌شود پروژه‌ای در پی تضعیف یا حذف دستگاه دولت» (هنیه، 1399: 125). دولت‌ها در جهان جدید برای حفظ انضباط طبقاتی، فشار حداکثری را اعمال می‌کنند و دیگر ابایی از کشتار و سرکوب ندارند. نمونه آن را در شیلی سال‌های پیش، کشورهای درگیر بهار عرب که خزان‌شان کردند، پرو، ایران، فرانسه و ... دیدیم و خواهیم دید. با سکوت مجامع جهانی و نهادهای حقوق بشری، که صرفاً نظاره‌گر و متاسف هستند، و با هدایت رسانه‌ها و قطع شبکه جهانی و نفوذ پروپاگاندا، این جنایت‌ها راحت‌تر انجام می‌شود.

بیانیه جنبش سوسیالیستی قزاقستان بسیار شفاف بود و کمک زیادی برای شرح آن چه در سر داریم ارائه می‌دهد. نکات مهم و کلیدی در این بیانیه بدین شرح است: همبستگی بین‌المللی با تظاهرکنندگان، خروج نظامیان از شهرها و مناطق تحت تصرف، استعفای همه مقامات حکومتی کشور، آزادی همه زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان، قانونی شدن حزب کمونیست و اتحادیه و سندیکاهای کارگری، و همچنین ملی شدن

کل صنایع استخراجی و بزرگ. بدون اغراق باید اذعان داشت که تمام این خواسته‌ها، خواسته تمام انسان‌هایی است که از انقیاد سرمایه‌داری و جنایت‌های نوسرمایه‌داری، فارغ از هر جغرافیایی، به تنگ آمده‌اند. نکته مهم، ملی شدن است. بنا بر نظر هاروی بر اساس خوانش روی: «خصوصی‌سازی در اساس انتقال دارایی‌های عمومی تولیدی از دولت به شرکت‌های خصوصی است. دارایی‌های تولیدی شامل منابع طبیعی است. زمین، جنگل، آب و هوا. این‌ها دارایی‌های اند که در ازای نمایش اعتماد دولت به مردم در اختیار آن است... قاپیدن و فروش آن‌ها به منزله سهام به شرکت‌های خصوصی فرایند خلع مالکیت بربرانه‌ای در مقیاسی است که در تاریخ هم‌تا ندارد.» (هاروی، 1399: 173). همین روایت از خصوصی‌سازی، درست‌ترین است و در مورد قزاقستان موضوعیت دارد. خصوصی‌سازی‌های گسترده‌ای که از زمان نظربایف آغاز شد، به جز گسترش نابرابری و سلب مالکیت از مردم و پایین آوردن توان خرید و گسترش فقر، نتیجه دیگری نداشت. خواسته جنبش سوسیالیستی، خواسته تماماً حق، انسانی و اخلاقی است.

اعتراضات اخیر قزاقستان خلل زیادی نیز بر بازار رمزارزها وارد کرد. قطع اینترنت و کشتار خاموش سبب گردید تا بازار قزاقستانی که حدود 18 درصد از هش ریت جهانی (hash rate) - اصطلاح تخصصی و صنعتی برای توصیف قدرت رایانشی ماینرها - را در اختیار دارد، ریزش داشته باشد. طبق جدیدترین آماري که شرکت استخراج رمزارز btc.com منتشر کرده، بازارها، شاهد افت 14 درصدی استخراج، نسبت به قبل از قطع اینترنت در قزاقستان بودند. طبیعی است نظام سرمایه‌داری نمی‌تواند اجازه دهد این خیزش‌ها جلوی استخراج ثروتش را بگیرد. بعد از کاهش استخراج رمزارز و ایجاد برخی محدودیت‌ها در چین، قزاقستان دومین و عمده‌ترین ماین جهان رمزارز شده. مزارع استخراج رمزارز قزاقستان عموماً نیروی خود را با استفاده از برق تولید نیروگاه‌های زغال‌سوز تامین می‌کنند که به همراه معادن زغال سنگ تامین کننده خوراک آن‌ها، به درگیری برای مقامات در پروسه کربن‌زدایی از اقتصاد تبدیل شده‌اند. به نقل از رویترز، قرار بود دولت قزاقستان با ماینرها برخورد کند (در سال 2020). وزارت نیروی قزاقستان نیز در همان سال اعلام کرد استخراج غیرمجاز رمزارز حداکثر 1/2 گیگاوات نیرو مصرف می‌کنند که به همراه 600 مگاوات برق مصرفی ماینرهای مجاز، حدود 8 درصد از کل ظرفیت تولید نیروی قزاقستان به حساب می‌آید. طبیعی است دود این زغال‌ها در چشم چه کسانی می‌رود و مجاز کردن برخی مزارع، چه سودی نصیب کاست جدید قزاقستان می‌کند.

همه این عوامل، به اضافه آنچه که در ابتدای نوشته حاضر در مورد منابع ارزشمند قزاقستان گفته شد، حاکی از آن است که، به زبان ساده، این کشور ثروتمند یا به عبارت دقیق‌تر بسیار ثروتمند است. این که قزاقستان، حیات خلوت روسیه است، دلایل سیاسی دارد، همان گونه که بلافاصله با اوج‌گیری خیزش‌ها، مسکو به درخواست پسر کوچکش برای سرکوب، نه نگفت و آمد، و با قلدری تمام نیز آمد. فارغ از مسائل سیاسی و

ژئوپلتیکی، باید آن را از چشم دولت نئولیبرال نیز دید؛ دولتی که برای سیر کردن شکم بزرگش، نیاز به فضای حداکثری دارد. اگر در قرون 16 و 17 م. استعمار با حجاب امپریالیسم و لشکرکشی مستقیم ظاهر می‌شد، اگر هیتلرها و دار و دسته‌های فاشیست به دنبال فضای حیاتی بودند، در دوران نئولیبرالیسم، که در آن، فقط نفس می‌کشیم و به زور زندگی می‌کنیم، رشد و فضا سازی نئولیبرالی باید به حداکثر خود برسد. مجدداً به هاروی گریز می‌زنیم تا مفصلی نظری و انتزاعی، بین گفتار انضمامی و شرایط عینی رخ داده در قزاقستان بزنیم. هاروی می‌گوید: «ماموریت بنیادی دولت نئولیبرال تولید حال و هوای مناسب برای کسب و کار و بنابراین بهینه‌سازی شرایط برای انباشت سرمایه است؛ بدون توجه به پیامدهای آن برای اشتغال یا رفاه اجتماعی» (هاروی، 1399: 27). به وضوح گفته شد؛ هدف وسیله را توجیه کرده. هدف فقط ثرتمندتر شدن عده‌ای و فرودست‌تر شدن اکثریتی دیگر است، بدون در نظر گرفتن عواقب و عوارض جانبی، دزدیدن حاصل دسترنج سلب مالکیت شدگان برای پروارتر شدن فرادست‌ها.

لاکمن به اشتباه در باب آینده‌نگری دولت می‌گوید: «اگر هیچ قدرت برتری در نظام جهانی نباشد، توازن بین دولت و سرمایه‌داران به نفع دولت تغییر خواهد کرد» (لاکمن، 1400: 282). چه توازنی؟! زمانی که دولت، خود بزرگ‌ترین سرمایه‌دار شده، یا به دست عده‌ای سرمایه‌دار، عروسکش گردانده می‌شود، دیگر نیازی به ایجاد توازن نیست. اساساً ایجاد توازن، بین دو امری صورت می‌گیرد که تفاوت و اختلافی با هم داشته باشند. دولت‌های نئولیبرال فارغ از پیشینه تاریخی و نقاط جغرافیایی که در آن قرار دارند، بر سر یک نکته اتفاق نظر دارند: انباشت سرمایه. و این انباشت به دنبال خود سریال‌های ترسناکی را پخش خواهد کرد: بیکاری، تورم، سرکوب، انفرادی‌سازی جامعه، استبداد، استثمار. در این سریال نقش اول، دوم یا مکمل وجود ندارد؛ دولت نئولیبرال، خود سناریونویس و کارگردان و تهیه‌کننده است که با مفهوم استبداد و مصداق پلیس و سرکوب، حرف خود را به کرسی می‌نشانند.

خیزش اخیر قزاقستان در ادامه دومینوی طغیان علیه وضع نابرابر موجود است و قطعاً آخرینش نیست. سرکوب ادامه دارد، خیزش‌ها نیز. نباید و نمی‌توان نقطه پایانی بر خیزش‌های خیابانی گذاشت که اساساً خیلی از امورش قابل پیش‌بینی نیستند. «کنش‌های خیابانی انقلابی پیش‌بینی پذیر نیستند؛ زیرا دو گروه متفاوت در پی رسیدن به دست کم دو پیامد مطلوب هستند: اول مردمی که به خیابان آمده‌اند و دوم دولت‌مردان» (گروه نویسندگان، 1397: 98). خیابان تمامی ندارد. مردم و فرودستان در برابر دولت‌مردان به پا خاسته‌اند. صحنه پیوسته به جاست. باید نغمه دهن‌کجی را خواند. باید بنا بر حکم بکت: دوباره تلاش کرد، دوباره شکست خورد، این دفعه بهتر شکست خورد. هاروی می‌نویسد: «من نمی‌توانم همه را با استدلال فلسفی قانع کنم که رژیم حقوقی نئولیبرال ناعادلانه است، اما اعتراض به این رژیم حقوقی کاملاً ساده است: پذیرفتن آن یعنی پذیرفتن این که ما هیچ بدیلی جز زندگی تحت نظام انباشت بی‌پایان سرمایه و رشد

اقتصادی، بدون توجه به پیامدهای اجتماعی، زیست‌محیطی و سیاسی آن نداریم. در مقابل، انباشت بی‌پایان سرمایه حاکی از آن است که در صورت لزوم، رژیم حقوقی نئولیبرال باید از طریق خشونت (شیلی و عراق)، رفتارهای امپریالیستی (همچون اعمال سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی) یا انباشت اولیه (چین و روسیه) از نظر جغرافیایی به همه کره گسترش یابد» (هاروی، 1399: 62). اعتراض به این سیستم و ستایش خیزش کاملاً ساده است و نیازی به تحلیل چرایی ندارد.

کلیشه‌هایی در اعتراضات اخیر قزاقستان دیده شد که برای ایران و ایرانی مرور خاطره است و بس. از سرکوب به دست نیروهای مزدور گرفته تا قطع اینترنت و اشرار خواندن معترضین. حتی اعترافات اجباری که از تلویزیون رسمی قزاقستان پخش شد و در آن، ویکرام روضاخانف، خواننده معروف جاز با صورتی کبود رو به دوربین اعتراف می‌کرد که «اشتباه کردم و گول خوردم که در تظاهرات علیه آزادسازی قیمت بنزین و فساد رهبران کشور شرکت کردم» نیز صحنه‌هایی پرتکرار است. دیدن این اعترافات برای هر کسی که اندک عقلی داشته باشد، خنده‌ای تلخ پیامد دارد. ولی باید امید داشت و جنگید. چامسکی در مصاحبه با سی. جی. پلیکرونیو می‌گوید: «ما دو گزینه داریم. می‌توانیم بدبین باشیم، تسلیم شویم و به تضمین رخ دادن بدترین چیزها کمک کنیم. یا می‌توانیم خوش‌بین باشیم، فرصت‌هایی را که حتماً وجود دارند بقاپیم و شاید کمک کنیم دنیا به جای بهتری بدل شود. چندان انتخابی در کار نیست.» (چامسکی، 1400: 242). باید به خیزش خوشبین بود. هر خیزشی علیه وضع موجود، جرقه‌ای است که نباید خاموش شود. اتفاقات اخیر قزاقستان مثنی بود نمونه علیه خروار سوزنده نئولیبرالیسم و استبداد و تبعیض و نابرابری. زنده‌باد خیزش، زنده باد امید، زنده باد خیابان.

منابع:

- چامسکی، نوام، خوش‌بینی و رای‌نومیدی، نرگس حسن‌لی، تهران: بان، 1400. چ اول.
- سعیدی، حامد، «خیزش تهیدستان قزاقستان علیه نابرابری و استبداد سیاسی»، مقاله در فضای مجازی در دسترس است.
- لاکمن، ریچارد، قدرت دولت‌ها، وحید موسوی داور، تهران: شیرازه، 1400، چ اول.
- گروه نویسندگان، خیابان صحنه است، علی قلی‌پور و انیسا رئوفی، تهران: مانیا هنر، 1397، چ اول.
- نعمانی، فرهاد، و سهراب بهداد، اقتصاد سیاسی طبقه و دولت در سرمایه‌داری، پرویز صداقت، تهران: آگاه، 1400، چ اول.
- هاروی، دیوید، امپریالیسم نوین، مهدی داودی، تهران: ثالث، 1399، چ سوم.

- هاروی، دیوید، *فضاهای نولیبرال*، مهدی داودی، تهران: ثالث، 1399، چ اول. (لازم به ذکر است از آنجا که در متن، مشخصات ارجاعی (سال انتشار و نویسنده) هر دو کتاب هاروی یکی است، برای شفافیت بهتر نقل قول‌ها، دو ارجاع نهایی از این منبع بود).
- هنیه، آدام، *تبار خیزش*، لادن احمدیان هروی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، 1399، چ اول.